



مرکز مجاز امام صادق (علیه السلام)

**اصول الفقه (مقدمه واجب)**

شرط متأخر ۲

جلسه ۲۰۷

استاد نجار زاده

**شرط متأخر:**

گفته شد که برخی شرط شرعی را به شرط عقلی قیاس نموده‌اند و از آن جایی که شرط عقلی نمی‌تواند متأخر از مشروط باشد، پس شرط شرعی نیز نمی‌تواند از مشروط، متأخر باشد. اما در شرع برخی موارد وجود دارد که ظاهراً شرط بعد از مشروط آمده است:

**مثال اول:**

مانند غسل در شب، نسبت به زن مستحاضه‌ای که استحاضه‌اش کثیره است که از نظر بعضی فقهاء شرط صحت روزه وی آن است که پس از انقضاء روز، غسل را در شب آن روز باید انجام دهد و چنانچه ملاحظه می‌شود، غسل مزبور که به عنوان شرط محسوب شده از مشروطش یعنی روزه متأخر است.

**مثال دوم:**

اجازه در بیع فضولی بنابر رأی کسانی که آنرا کاشف از صحت بیعی می‌دانند که قبلاً فضولتا واقع شده نه آنکه ناقل باشد.

**جواب برخی از محققین:**

شرطی که ظاهراً متأخر است یا شرط «مأموریه» است، شرط «حکم» است.

**الف: شرط «مأموریه»:**

شرط مأموریه یعنی حصه خاصی از مامور به مقصود از امر است، مثلاً حصه ای از «روزه» امر دارد که بعدش غسل باشد، پس در چنین شرطی هیچ مشکلی وجود ندارد، بله اگر مقصود از شرط، این باشد که متأخر حقیقی در متقدم حقیقی تاثیر بگذارد، روشن است که محال است، ولی در شرائط شرعی چنین نیست.



مرکز مجاز امام صادق (علیه السلام)

### ب: شرط حکم:

معنای شرط حکم آن است که در مقام جعل و انشاء شرط، حکم می‌باید مفروض الحصول و الوجود باشد و بدیهی است در فرض وجود و حصول فرقی نیست بین اینکه وجود شرط را بر مشروط متقدم و یا مقارن با آن و یا احیاناً متأخر فرض نمائیم؛ مثلاً در شرط متأخر بگوئیم: حکم برای موضوعی جعل شده که مقید است به قیدی که پس از وجود موضوع مفروض الوجود در نظر گرفته شده است.

### تقریب به ذهن

واجب مرکب، مثالی برای فهم شرط متأخر است که حصولش در خارج تدریجی می‌باشد؛ یعنی اجزایش متعاقباً و به نوبت در خارج تحقق می‌یابند چه آنکه فعلی بودن تکلیف در جزء اول و اجزاء بعدی معلق است به اینکه جزء اخیر از مرکب در خارج حاصل گردد.

در شرط متأخر فعلیت حکم معلق است به اینکه شرطی را که مفروض الحصول ملاحظه نموده‌ایم حاصل شود و همان طوری که جزء اول از مرکب در فرضی که تمام اجزاء در خارج تحقق یابند واجب بوده و از ابتداء امر متصف به فعلیت و جوب است نه آنکه پس از تحقق و حصول جمیع اجزاء و جوبش فعلی باشد چنانچه فعلیت باقی اجزاء نیز بعد از حصول جزء اخیر نبوده بلکه از همان حین حصولشان می‌باشد منتهی به شرطی که جمیع حاصل شوند عیناً در مورد بحث می‌گوئیم: واجبی که مشروط است به شرط متأخر از اول و جوبش فعلی است منتهی در فرضی که شرط در ظرف خودش تحقق یابد نه آنکه پس از حصول شرط واجب، و جوبش فعلی گردد.